یادداشت روز

رکود دولت رکود می‌آورد

تا چند روز دیگر، دولت وارد هفتمین سال فعالیت خود از مجموع فرصت ۸ ساله می‌شود. واقعیت و چالش پررنگ در این چند سال، «رکودزدگی» دولت است. یک میز، حداقل چهار پایه دارد و البته در میزهای بسیار بزرگ، تعداد پایه‌ها بیشتر می‌شود تا بتواند میز را به شکل متوازن نگه دارد. مسئولیت‌ها و تکالیف دولت نیز چند بُعدی است و نمی‌توان همه مسئولیت‌های بیست و چند وزارتخانه و معاونت ریاست جمهوری در حوزه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی را بر دوش یک پایه، یعنی وزارت خارجه گذاشت و این وزارت را هم به نوعی منقبض کرد که صرفا متولی توافقی پایمال شده توسط غرب باشد. برخی مدیران دولتی، پانزده ماه پس از ابطال برجام توسط طرف اصلی آن (کدخدای اروپایی‌ها به تصریح آقای روحانی)، همچنان بر سر جنازه نشسته‌اند گویا که قرار است معجزه‌ای رقم بخورد و مرده زنده شود تا پس از آن به جای همه مسئولیت‌های تدبیر و تلاش، برای اقتصاد ما معجزه کند!

برجام مرده، چون قرار بود مبتنی بر تعامل دو طرفه باشد. برجام حتی اگر سفره مردم را رنگین و معیشت آنها را فراخ کرده بود -که برعکس این عمل کرده- اکنون وجود خارجی ندارد. اما برخی دولتمردان همچنان اصرار دارند ماهیت برجام را وارونه روایت کنند و بر فراز یک دوقطبی مصنوعی، موج سواری ترتیب دهند. ۱۵ ماه پس از خروج آمریکا و شانه خالی کردن اروپا از تعهدات، دولت همچنان ژست تعلیق و انتظار گرفته است. رفتار برخی مدیران به گونه‌ای است که گویا می‌خواهند عهدشکنی غرب را مشمول مرور زمان کنند و در عین حال برای مذاکره جدید پالس بفرستند؛ نظیر پالس خطرناک و پرخسارتی که در جریان سفر نیویورک و مذاکره درباره دائمی کردن برخی تعهدات موقت برجامی مرتکب شدند.

این هویت تک بعدی به حدی غلیظ است که اگر برجام را (فارغ از مفید یا خسارت‌بار بودن) از کارنامه شش ساله دولت برداریم، تقریبا هیچ چیزی ته سبد باقی نمی‌ماند. این رکودزدگی حادّ، پدیده‌ای کم نظیر است. آنچه به عنوان رکود تورمی به اقتصاد ما سر ریز شده، آورده همین بی‌عملی یا سوء رفتار مفرط است. به تعبیر برخی چهره‌های همسو، دولت روحانی با اعلام توافق -و نه حتی نقض و ابطال آن توسط غرب- به پایان رسید؛ چرا که برنامه و ایده دیگری نداشت. این بی‌تحرکی، موجب کاهندگی و تحلیل رفتن نیروها و توانمندی‌های ملی می‌شود.

یک سال قبل، به خاطر سوء مدیریت، ۱۸ میلیارد دلار از ذخایر ارزی حیف و میل شد؛ هم ۱۵۰ هزار میلیارد تومان رانت را نصیب رانت خواران ساخت و هم تورم را به زندگی مردم و فضای کسب و کار سر ریز کرد. اما برخی محافل، ضمن لوث کردن این خسارت بزرگ می‌گویند شد که شد، یک ریسک مدیریتی بود و نباید دست و دل مدیران ذی‌ربط را با احضار به دادگاه لرزاند(!) همچنین، به خاطر سوء مدیریت، حجم نقدینگی ظرف شش سال از ۴۳۰ هزار میلیارد، به بیش از ۱۹۰۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافت و موجب آسیب‌های گسترده شد. این در حالی است که بسیاری از تولیدکنندگان، معطل نقدینگی حداقلی برای خروج از رکود هستند. دولت در چنین میدان مهمی که باید تهدید نقدینگی سرگردان به فرصت سرمایه‌گذاری تبدیل می‌شد، غائب بود و آرزواندیشانه در انتظار سرمایه‌گذاران خارجی بود.

بنا بر اعلام مرکز آمار، نرخ تورم در حوزه مسکن به ۱۲۸ درصد رسیده است. این بخش که همواره جزو بازارهای پر رونق بوده و موجب رونق تولید و اشتغال می‌شده، اکنون با رکود بی‌سابقه در نیم قرن گذشته دست و پنجه نرم می‌کند. معاملات مسکن نسبت به مرداد ۹۷، با کاهش ۷۸ درصدی در تهران و ۵۳ درصدی در کل کشور روبه‌رو شده است. این روند معیوب، به معنی دریغ کردن ظرفیت‌های میلیونی اشتغال از جوانان، زمین خوردن صدها صنعت مرتبط با بخش مسکن، و گرفتاری مردم به گرانی آزاردهنده است. مشابه همین کارنامه رکود تورمی را می‌توان در بسیاری دیگر از بخش‌های تولیدی و فنی رصد کرد. علت چیست؟ اینکه بعضی مدیریت‌ها دچار رکود فکر و برنامه، و فاقد روحیه و نشاط جوانانه هستند. معامله‌ای که برخی مدیران و مدعیان حمایت از آنها با سامانه فناوری هسته‌ای و عقبه انسانی آن کردند، ماکتی از رویکردهای مشابه در بسیاری از حوزه‌های فناوری و کار آفرینی است.

واگذاشتن مسئولیت‌های قانونی و انقلابی، موجب رکود و تعلیقی در مدیریت می‌شود که فقط یک نتیجه آن، رکود فعلی اقتصادی است. اما در کنار فقر برنامه و کارکرد و برجام زدگی بخشی از مدیریت اجرایی، با چالش مهم دیگری هم رو به رو هستیم. پوسته برجام و مشاجرات پیرامون آن، با همه اهمیت، موجب شده بسیاری از سوء مدیریت‌ها در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در حاشیه بماند. و حال آنکه اگر برجام یک خسارت بود، نفوذ زدگی در قالب برجامیزاسیون و نُرمالیزاسیون روندها (انقلاب زدایی و آرمان زدایی از مدیریت و فضای زیست عمومی) حاوی ده‌ها برابر خسارت است. این روند تحلیل برنده توانمندی‌ها و ظرفیت‌های ملی قابل تداوم نیست. در عین حال، برخی مدیران و حامیان سیاسی آنها با وجود این دو نقیصه بزرگ و استفاده سوء از انبوه اختیارات، میل به خودکامگی هم از خود نشان می‌دهند که در قالب منفعل و مطیع خواستن مجلس یا شانتاژ علیه قوه قضائیه قابل رصد است. به خاطر داریم که یک معاون رئیس‌جمهور۲۹ تیر ۹۵ گفت «رئیس‌جمهور و وزرا باید در فضای آرام کار کنند و از این جهت نباید در مجلس برای آنان دغدغه ایجاد شود. سؤالات بی‌جا و بی‌مورد نمایندگان نباید موجب سلب آرامش آنان شود؛ چرا که وقت و انرژی آنان صرف مسائل غیر از کار می‌شود».

اخیرا هم کسانی مانند سخنگوی کارگزاران مدعی شدند قوه قضائیه باید در وزارت دادگستری ادغام شود و اختیارات دولت -با کاستن از اختیارات قانونی مجلس و قوه قضائیه- افزایش یابد. این در حالی است که عضو مرکزیت همین حزب، چند ماه قبل در گفت‌وگو با یورونیوز تصریح کرد «دولت از اختیارات فوق‌العاده برخوردار است و اگر رهبری این اختیارات را به چوب خشک داده بود، در مدیریت اقتصادی (باعرض پوزش) بهتر از آقای روحانی عمل می‌کرد». متاسفانه دولت هرچه اختیارات بیشتری گرفت، ناکارآمدتر عمل کرد چرا که همچنان جز خاطره بازی و خاطره‌پردازی درباره توافق منقضی، برنامه درون‌زایی برای رفع مشکلات کسب و کار، رونق تولید و اقتصاد، سالم‌سازی فضای فرهنگی و رسانه‌ای، و تامین شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات نداشته است.

در قبال این وضعیت کاهنده توانمندی‌های ملی چه باید کرد؟ یک مسیر این است که تیم دولت و مدیریت آن تغییر کند که این مسیر متوقف به انتخابات سال ۱۴۰۰ است. راه دوم این است که در انتخابات اسفند ماه امسال، مجلسی مطالبه‌گر و مستقل از دولت، و دارای شایستگی‌های نظارتی روی کار بیاید. مجلسی که بتواند مدیریت اجرایی را به ریل برنامه‌ریزی برای پیشرفت درون‌زا، اهتمام به ظرفیت‌های ملی و منطقه‌ای، و خلاقیت و تلاش مضاعف برگرداند. بدترین احتمال این است که دولت در عمل نشان دهد کفایت مسئولیت و اراده تغییر و اصلاح عملکرد خود را ندارد؛ که در این صورت، حجت بر مردم و نظام تمام می‌شود تا تصمیمی دیگر بگیرند.

از آغاز امسال، تغییرات و اتفاقات خوبی در قوه قضائیه در حال وقوع است که بشارت حاکمیت قانون و عدالت، مبارزه با فساد و تبعیض، و سالم‌سازی برخی روندهای معیوب را می‌دهد. این البته راهی صعب است که تنها با پای کار آمدن دستگاه قضایی کوبیده و پیموده نمی‌شود. این روند تغییر، باید به دو قوه دیگر تسرّی پیدا کند و به تدریج شاهد مجلس و دولتی جوان، پرنشاط، باانگیزه، انقلابی، شجاع، مجاهله‌ناپذیر و کاربلد باشیم. مقدمه ضروری برای تشکیل مجلس و دولتی در تراز دهه پنجم انقلاب اسلامی، بازسازی تشکیلاتی و برنامه‌ای در جبهه بزرگ نیروهای انقلاب است. این نیروها در عین حال که باید بر معیارهای انقلابی تاکید کنند، نباید چنان دچار وسواس و سوءظن و منفی‌نگری نسبت به همدیگر شوند که نتوانند با یکدیگر هم‌پوشانی و همکاری و هم‌افزایی (تعاون) داشته باشند.

شرط هم‌افزایی و همکاری، یافتن فعالان سیاسی و رسانه‌ای و اجتماعی معصوم از هر نوع خطا نیست؛ البته این تکلیف برعهده همه ماست که هم خود به رعایت اخلاص و مراعات معیارها پایبند باشیم و هم دیگران را به خلوص دعوت کنیم. اما در عین حال در مسیر تحول برای تعالی، باید اغماض و تنازل داشت تا بتوان برای برداشتن بارهای بزرگ و مسئولیت‌های بر زمین مانده، جمعیت فراهم کرد. اصلا بخشی از رشد ما و مقدمه آن، همین تحمل تفاوت‌ها و احیانا نقص‌هاست (و البته حساب خیانت و تخلف جداست). وحدت با تواضع و حسن ظن طرفین به‌دست می‌آید و نه برخورد از موضع بالا و یا سوء ظن. فراموش نکنیم که جزو سنت‌های الهی برای موفقیت، مجتمع شدن و جمعیت ساختن است؛ همچنان که تفرقه، موجب نابودی نعمت‌ها و فرصت‌هاست. در مقابل، حرکت موذیانه و پرحجمی از سوی جبهه معارض سازماندهی شده که به بهانه‌های مختلف، بر دامن زدن به اختلاف و شکاف در جبهه نیروهای انقلاب اصرار دارد. آنها همدلی نیروهای انقلابی را پایان جولان خود و بن‌بست‌شکن در مسیر انقلاب اسلامی می‌دانند.

وحدت همه وفاداران به انقلاب اسلامی، ضرورتی همیشگی و فرا انتخاباتی برای خدمت‌گزاری است. باید میان دو مسئولیت دشوار «مطالبه آرمان‌ها» (امر به معروف و نهی از منکر) و «مصلحت وحدت» جمع کرد. رهبر انقلاب در همین زمینه ۳۱ مرداد ۸۹ در دیدار دانشجویان فرمودند «بعضی‌ها می‌گویند وحدت، بعضی‌ها می‌گویند خلوص. من می‌گویم هر دو. خلوصی که شما مطرح می‌کنید که باید غربال و یک عده ناخالص را از دایره خارج کنیم، چیزی نیست که با دعوا و کشمکش و گریبان این و آن را گرفتن و حرکت تند و فشارآلود به وجود بیاید... در صدر اسلام اگر پیغمبر(ص) در همان جامعه چند هزار نفری -که کار خالص‌سازی آسان‌تر بود از یک جامعه ۷۰ میلیونی ما- می‌خواست خالص‌سازی کند، چی برایش می‌ماند؟... امروز هم همین جور است. این جوری نیست که شما بیایید افراد ضعیف‌الایمان را از دایره خارج کنید به بهانه اینکه می‌خواهیم خالص کنیم. هر چه می‌توانید دایره خلصین را توسعه بدهید... وحدت هم منظور من اتحاد بر مبنای اصول است. با آن کسی که این اصول را قبول دارد به همان اندازه که قبول دارد، به همان اندازه ما مرتبط و متصل‌ایم؛ این می‌شود ولایت بین مؤمنین. آن کسی که اصول را قبول ندارد، نشان می‌دهد یا تصریح می‌کند که قبول ندارد، او قهراً از این دایره خارج است. بنابراین هم طرفدار وحدتیم، هم طرفدار خلوص».

محمد ایمانی

گزارش خبری تحلیلی کیهان

بر باد دادن ۱۸ میلیارد دلار سوءمدیریت یا خیانت در امانت؟!

سرویس سیاسی-

در حالی که ماجرای چگونگی تعیین قیمت ۴۲۰۰ تومان برای ارز دولتی و نحوه برباد رفتن ۱۸ میلیارد دلار ارز دولتی هنوز حل نشده و هیچ‌کس حاضر به پذیرش مسئولیت این خسارت بزرگ نیست، عده ای می‌کوشند ماجرا را در حد سوءمدیریت تقلیل داده و از برخورد با عوامل اصلی قضیه جلوگیری کنند.

اوایل سال گذشته و در پی افزایش تصاعدی قیمت ارز، تصمیم دولت مبنی بر تعیین نرخ دولتی ۴۲۰۰ تومانی برای دلار که به «دلار جهانگیری» معروف شد، توسط معاون اول رئیس‌جمهور اعلام شد.

تصمیم دولت در جلسه فوری ستاد اقتصادی (۲۰ فروردین) به خاطر این بود تا قیمت‌ها در بازار تنظیم و مدیریت و از افزایش ناگهانی نرخ تورم جلوگیری شود اما سیر رشد قیمت‌ها و تورم روزافزون گواه آن بود که دولت نتوانسته حتی با اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردات هم قیمت‌ها را ثابت نگه دارد. همین امر سبب شد که انتقادات زیادی در خصوص چرایی اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردات و ایجاد رانت دولتی برای افرادی که این ارز را دریافت کرده‌اند، پیش آید.

قیمتی که هیچ‌کس مسئولیت آن را نپذیرفت!

به دنبال موج انتقادات از دولت بود که حسام‌الدین آشنا مدعی شد که روحانی تنها مخالف این طرح بوده است. بعد از آن هم مسعود نیلی، دستیار ویژه سابق رئیس‌جمهور در امور اقتصادی در واکنش به اظهارات حسام‌الدین آشنا در مورد جلسه دلار ۴۲۰۰ تومانی خواستار انتشار فایل صوتی آن جلسه شد و گفت: «چقدر خوب بود اگر فایل صوتی این جلسه با توجه به اهمیت اظهارنظرها و اینکه بعید است نکته محرمانه‌ای داشته باشد انتشار عمومی پیدا می‌کرد. این باعث می‌شد که برداشت‌های نادرست تصحیح شود.»

گرچه این پیشنهاد مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور می‌توانست در روشن شدن ابعاد پشت‌صحنه این جلسه کمک کند اما وی که امیدی به بهبود اوضاع اقتصادی نداشت، برای نجات خود از اتهامات استعفا داد. جالب آنکه پیش از نیلی، عباس آخوندی و ولی‌الله سیف، رئیس بانک مرکزی نیز با تقدیم استعفایشان به حسن روحانی بر مشکوک بودن تصمیمات اقتصادی دامن زده بودند.

ازاین‌روست که هیچ‌کسی حاضر به پذیرش تصمیم‌گیری برای ارز ۴۲۰۰ تومانی نیست و البته همچنان ارز ۴۲۰۰ تومانی در هاله‌ای از ابهام قرار داد و هنوز که هنوز است معلوم نیست برای کدام کالاها، چگونه و به چه شرکت‌هایی اختصاص یافته است؟

گرچه هنوز هم پاسخ مشخصی نمی‌توان یافت اما به‌زعم همه کارشناسان و تحلیلگران اقتصادی، سرانجام ارزی که قرار بود در راستای کنترل قیمت‌ها در بازار و جلوگیری از افزایش ناگهانی نرخ تورم برای واردات همه کالاها اختصاص یابد، تورم، گرانی، فساد و ایجاد «رانت ۱۸ میلیارد دلاری» بود.

رانت سنگینی که ایجاد شد

«۱۰ هزار شرکت، ارز دولتی گرفتند!»، خبری بود که اردیبهشت‌ماه امسال در صدر اخبار رسانه‌ها قرار گرفت. بر اساس این خبر، بانک مرکزی با انتشار فهرست دریافت‌کنندگان ارز دولتی اعلام کرد در طول یک سال گذشته (فروردین ۹۷ تا اردیبهشت ۹۸) حدود ۱۰ هزار شرکت، ارز دولتی ۴۲۰۰ تومانی دریافت کرده‌اند؛ فهرستی که در چند مرحله از سوی نهادهای متولی ازجمله بانک مرکزی و وزارت صمت منتشر و به‌روزرسانی شد و در آن نام بسیاری از شرکت‌های دولتی، عمومی، خصوصی و همچنین اشخاص حقیقی خودنمایی می‌کند؛ واقعیتی که باعث گمانه‌زنی و تقویت شائبه رانت دولتی شده است.

فارغ از فهرست مذکور، کارشناسان و تحلیلگران سیاسی معتقدند که اساساً در تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی، چیزی عاید مردم نشده و سود آن صرفاً به جیب دلالان و رانت‌خواران رفته است. آن‌ها معتقدند که بسیاری از مشکلات اقتصادی در حوزه تولید و توزیع و همچنین تورم افسارگسیخته در کالاهای ضروری که اخبار آن در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود مانند کمیابی و گرانی گوشت، پیاز، شکر، ماکارونی، برنج، تن ماهی و ... ماحصل سیاست‌های اقتصادی دولت و به‌ویژه تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی و ایجاد رانت ۱۸۰ هزار میلیارد تومانی است.

نکته دیگر آمارهای گمرک ایران است که بررسی آن نشان می‌دهد با ارز دولتی، چه مقدار کالاهای غیرضروری سؤال‌برانگیزی وارد کشور شده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد در هشت‌ماهه سال ۹۷ حدود ۲۹ قلم کالای لوکس یا دارای مشابه داخلی به ارزش ۱۵۷ میلیون دلار وارد کشور شده که ارزش این اقلام به بیش از هزار و ۵۷۰ میلیارد تومان می‌رسد.

رانت ۹۲۸ میلیاردی ۲۹ کالای غیرضروری، واردات ۷۰۰ میلیاردی مکمل‌های غذایی، واردات ۱۹۰ میلیاردی لوازم‌آرایشی، واردات ۱۵۳ میلیاردی شامپو و صابون، واردات ۱۵۲ میلیاردی ژیلت، واردات ۵۵ میلیاردی غذای سگ و گربه و ... گواه بر این ادعاست.

جالب‌توجه آنکه همان موقع، بانک مرکزی فهرست ارز بگیران دولتی را به‌روزرسانی کرد. در این فهرست که برای اولین بار منتشر شد نام برخی شرکت‌ها که در زمینه غذای حیوانات خانگی فعال می‌باشند شائبه‌هایی را ایجاد کرد. متأسفانه ارزهای دولتی که می‌بایست برای کالاهای ضروری اختصاص یابد، در موارد بسیاری برای واردات کالاهای غیرضروری اختصاص یافت ازجمله این کالاها می‌توان به واردات کالاهای مربوط به حیوانات خانگی اشاره کرد.

شرکت‌هایی مانند شرکت مانوک سبزدشت، شرکت ساعی گل تهران، شرکت آراد طب سامان و... شرکت‌هایی هستند که در زمینه غذای حیوانات خانگی فعالیت دارند و توانسته‌اند ارز دولتی جهت واردات دریافت نمایند.

ازاین‌رو بود که حجت‌الاسلام منتظری، دادستان کل کشور در نشستی با فعالان اقتصادی تأکید کرده بود: «کالایی که مشابه آن در داخل کشور وجود دارد نباید با ارز دولتی وارد و مانع افزایش تولیدات ملی و بیکاری شود. عده‌ای با ارز ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی کالایی نظیر خوراک سگ و گربه وارد کرده‌اند که اصلاً مورد نیاز نیست و این یک ظلم به کشور است.»

سوءمدیریت یا خیانت در امانت؟!

نکته مهم و قابل تامل در ماجرای بر باد دادن ۱۸ میلیارد دلار ارز دولتی آنجاست که برخی رسانه های وابسته و حامی دولت سعی دارند ماجرا را در حد سوءمدیریت تقلیل دهند. یکی از این رسانه ها حتی پا را از این نیز فراتر گذاشته و دادگاه رسیدگی کننده به این پرونده سنگین را تسویه حساب قوه قضائیه با دولت خوانده است!

روزنامه دولت نیز چند روز پیش در گزارشی اساس تشکیل این دادگاه را زیر سوال برده و آن را دارای ابهام دانست و مدعی شد؛ «مدیران بانک مرکزی سیاست‌های مصوب را اجرایی کرده‌اند و توزیع ارز توسط بانک مرکزی برای تنظیم بازار سیاستی رایج در طول دهه‌های گذشته بوده و عملی غیر قانونی نبوده است. مضاف بر اینکه ورود بانک مرکزی و توزیع ارزی در نهایت منجر به کاهش روند صعودی نرخ ارز در کشور شده است.»!

این روزنامه در مطلبی با تطهیر کسانی که در این پرونده دخیل هستند مدعی است برخورد قضایی با چنین مسائلی باعث می شود جرات ریسک از مدیران در شرایط حساس گرفته شود! مشخص نیست این چگونه ریسکی است که ۱۸ میلیارد دلار از خزانه مملکت را به باد می دهد و قیمت دلار را تا نزدیک ۲۰ هزار تومان می رساند و تورم را چند برابر می کند و هنوز هم باید از آن دفاع کرد! آیا همانگونه که در این مطالب آمده متهمان صرفاً مجری اوامر بوده اند و سرنخ به کسان دیگری می رسد که اینگونه از برگزاری این دادگاه به هراس افتاده‌اند؟ **بقیه در صفحه۱۱**

در فردو و با حضور صالحی

عملیات احداث مرکز تحقیقات ملی، جداسازی و توسعه کاربرد ایزوتوپ‌های پایدار آغاز شد

عملیات احداث مرکز تحقیقات ملی جداسازی و توسعه کاربرد ایزوتوپ‌های پایدار با حضور رئیس سازمان انرژی اتمی در مجتمع شهید علی‌محمدی «فردو» قم آغاز شد.

علی اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی در این مراسم گفت: این پروژه، پروژه سنگینی است و ساختمان آن هم ساختمان ویژه‌ای است و تجهیزاتی هم نیاز دارد که باید از خارج خریداری شود. اگر همه چیز به خوبی پیش برود شاید تکمیل این مرکز ۲-۳ سال طول بکشد.

وی با بیان اینکه ایزوتوپ‌های پایدار از روش‌های متنوعی به دست می‌آیند که یکی از این روش‌ها استفاده از سانتریفیوژهاست، اظهار داشت: در این مرکز از روش‌هایی چون تبادل شیمیایی، تقطیر تبریدی، نفوذ حرارتی و تقطیر غشایی استفاده می‌شود.

به گزارش ایرنا، رئیس سازمان انرژی اتمی گفت: ما پیش از این در حد آزمایشگاهی اقداماتی را آغاز کرده بودیم اما الان سطح کار ارتقا یافته به‌طوری که ۵ هزار متر مربع شامل ۸ کارگاه و ۸ آزمایشگاه برای این عملیات احداث می‌شود.

صالحی یادآور شد: چنین مجموعه‌ای در غرب آسیا بی‌نظیر خواهد بود و در این منطقه کشوری سراغ نداریم که به این میزان وارد عرصه جداسازی ایزوتوپ شود.

وی خاطرنشان کرد: فردو از با ارزش‌ترین مجموعه‌های سازمان انرژی اتمی است و حدود ۱۶ هزار متر مربع تاسیسات در این مرکز احداث شده است که از جمله مراکز آن می‌توان به مرکز ملی مواد که دو سال قبل تاسیس شد و همچنین مرکز ملی خلأ اشاره کرد که ۲۰ فروردین امسال رونمایی شد.

رئیس سازمان انرژی اتمی اظهار داشت: فردو با لحاظ کردن بهترین استانداردها خدمات ارزشمندی را به مجموعه صنایع کشور ارائه می‌کند.

خبر ویژه

۴سال لجبازی با کارت سوخت و هدررفت روزانه ۱۲ میلیون لیتر بنزین

یک روزنامه اصلاح‌طلب می‌گوید بازگشت کارت سوخت که در دولت روحانی حذف شد، موجب صرفه‌جویی ۱۰ تا ۱۲ میلیون لیتری روزانه در مصرف بنزین می‌شود.

روزنامه آرمان با اشاره به بازگشت کارت سوخت می‌نویسد: گفته می‌شود دولت این سیاست را با هدف کنترل مصرف سوخت و کاهش میزان قاچاق که از سال گذشته به شدت رو به فزونی نهاده، عملیاتی می‌کند.

پیشینه استفاده از کارت سوخت در ایران به تیرماه سال ۱۳۸۶ و اجرای سیاست هدفمندی مصرف سوخت در کشور باز می‌گردد. پس از آنکه در این سال، سهمیه‌بندی بنزین به قانون بدل شد، دولت برای تمامی خودروها، کارت هوشمند سوخت صادر و همه جایگاه‌های سوخت کشور را نیز به کارتخوان و پین‌پد مجهز کرد. از سال گذشته و با افزایش روزافزون قاچاق بنزین از یکسو و رشد بی‌رویه مصرف داخلی از سوی دیگر، دولت درصدد آن برآمد که قانون سهمیه‌بندی و افزایش قیمت را با هدف کنترل مصرف مجدداً اجرا کند. از همین رو این ایده به شکل بندی از لایحه بودجه به مجلس ارائه شد. اما مجلس در این مسیر با دولت همراه نشد و با رد این بند از لایحه بودجه، با تمامی پیشنهادهای دیگر در این رابطه نیز مخالفت کرد. پس از آن بود که دولت تصمیم خود مبنی بر بازگرداندن کارت سوخت را به مرحله عملیاتی رساند تا دست‌کم بتواند از این راه اطلاعات مصرف انرژی در کشور را دقیق‌تر دریافت کرده و با قاچاق سوخت مبارزه کند و مجلس نیز تنها احیای کارت سوخت را مجاز دانست.

بر اساس آمارهای رسمی، در حال حاضر مصرف روزانه بنزین کشور به‌طور میانگین به حدود ۱۰۰ میلیون لیتر رسیده که همچون اغلب مصارف دیگر در کشور، از حد استاندارد فراتر است. البته باید توجه داشت که قاچاق سوخت، بخش بزرگی از مصرف را در ایران به خود اختصاص داده و سبب اصلی آن نیز، قیمت به شدت ارزان این کالا در کشور در مقایسه با همسایگان خارجی است. کارشناسان تخمین زده‌اند استفاده از کارت سوخت در این شرایط، کاهش ۱۰ تا ۱۲ میلیون لیتری مصرف بنزین را به دنبال خواهد داشت.

در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۴، استفاده از کارت سوخت و به تبع آن، سهمیه‌بندی بنزین توانسته بود مصارف بیهوده سوخت را تا حد چشمگیری کاهش دهد. در حال حاضر نیز در صورتی که این طرح در همین حد یعنی استفاده از کارت شخصی برای خرید بنزین باقی بماند تنها می‌تواند معیاری برای سنجش مصرف باشد. البته نمی‌توان از این امر غافل شد که با آنالیز اطلاعات مصرف، دولت می‌تواند حفره‌های قاچاق سوخت را نیز به خوبی کنترل کند. اما این کافی نیست و نیاز است نمایندگان مجلس، با اغماض از نتایج انتخابات اسفندماه و هم‌راستا با قانون هدفمندی یارانه‌ها به کمک دولت آمده و با سهمیه‌بندی مجدد بنزین و افزایش منطقی قیمت آن موافقت کنند تا از این منظر، الگوی مصرف، اصلاح شده و به تدریج یارانه سوخت و انرژی نیز در جهت خود قرار گیرد.

خود شما جزو کدام دسته هستید آقای مطهری؟!

علی مطهری از اظهارات اخیر آیت‌الله یزدی درباره برخی نامزدهای نمایندگی مجلس انتقاد کرد.

مطهری با اشاره به این سخنان آیت‌الله محمد یزدی عضو شورای نگهبان که «نباید اجازه دهیم افراد سودجو به مجلس شورای اسلامی راه یابند زیرا برخی نمایندگان به این امید وارد مجلس می‌شوند که با اعمال فشار به وزرا رشوه‌خواری کنند»، می‌نویسد: «اولاً این سخن، همه نمایندگان مجلس را زیر سؤال می‌برد. بهتر بود ایشان به‌فرض صحت کلامشان و اثبات اتهام وارده نام آن نمایندگان را ذکر می‌کردند تا ذمّه سایر نمایندگان بری می‌شد.

ثانیاً در میان نمایندگان به ندرت چنین کسانی پیدا می‌شوند و علت آن هم نوع رفتار شورای نگهبان است که افراد حرّ و آزاده و پاکدست و پاکدامن را به دلیل انتقاد از نظام به جرم ضدیت با ولایت فقیه ردصلاحیت و چنان افرادی را تأیید صلاحیت می‌کند.

بنابراین به‌فرض صحت ادعای آقای یزدی، برای رفع این نقیصه، شورای نگهبان باید روش خود را عوض کند و صرفاً افرادی را که جرم قابل توجه مالی یا اخلاقی دارند ردصلاحیت کند نه این که کاندیداهایی را هم که انتقادی به نظام دارند اما افراد سالم و صالحی هستند ردصلاحیت نماید».

درباره واکنش علی مطهری گفتنی است: اولاً مصادیق متعدد از نمایندگانی که در ادوار مختلف اقدام به زدوبند با مفسدان اقتصادی یا امتیازخواهی از مدیران کرده‌اند، وجود دارد و مصادیق آن قابل‌انکار نیست؛ نظیر نمایندگانی که با شهرام جزایری در ارتباط بودند، به سفرهای خارجی برده شدند، از او هدیه گرفتند و او را به‌عنوان مشاور ویژه، به مجلس راه دادند و به کمیسیون اقتصادی بردند و درباره لزوم حذف اخذ وثیقه از وام‌گیرندگان بزرگ بانکی از وی مشورت گرفتند! برخی از همین نمایندگان هم‌اکنون صاحب روزنامه هستند و اتفاقاً آقای مطهری را نیز در تیترهای نشریه خود کم تحویل نگرفته‌اند.

ثانیاً آیت‌الله یزدی تصریح می‌کند «نباید اجازه دهیم افراد سودجو به مجلس وارد شوند و برخی با همین امید به مجلس وارد می‌شوند». کجای این سخنان، اطلاق و عمومیت دارد؟!

ثالثاً آقای مطهری که با وجود تخلفات و رویکردهای مخالف‌خواهانه‌اش، مورد سماحت و سعه‌صدر شورای نگهبان قرار گرفته و چندین‌بار تأیید شده، جزو کدام عده است؟ افراد حرّ و آزاده و پاکدست که ردصلاحیت می‌شوند یا «چنان افرادی» که تأیید صلاحیت می‌شوند؟

خامساً همه ردصلاحیت‌ها، صرفاً براساس جرائم مالی نیست بلکه افراد می‌توانند به دلیل ارتکاب تخلفات عدیده غیراقتصادی و غیرمالی هم، فاقد صلاحیت نمایندگی مجلس باشند. ضمناً افراد می‌توانند منتقد و مخالف نظام باشند اما مجلس شورای اسلامی ذاتاً بخشی از ساختار جمهوری اسلامی است و کسی که به این ساختار در قول و فعل التزام و اعتقاد ندارد، طبیعتاً نمی‌تواند جایی در مجلس جمهوری اسلامی داشته باشد اما به صرف انتقاد نیز کسی ردصلاحیت نمی‌شود، که خود آقای مطهری نمونه آن است؛ مگر این‌که او ادعا کند انتقادهایش ظاهرسازی و غیرواقعی است!

بی‌بی‌سی: آمریکا سردرگم است ایران همچنان در منطقه پیشروی می‌کند

شبکه دولتی انگلیس در گزارشی تصریح کرد آمریکا طی چند دهه اخیر در مقابل نفوذ انقلاب اسلامی در منطقه سردرگم بوده و منطق جمهوری اسلامی پیش رفته است.

وبسایت بی‌بی‌سی فارسی نوشت: «بنابر شواهد موجود، افزایش تهدیدهایی که ادامه موجودیت اسرائیل را هدف قرار داده‌اند از یک سو، و چالش‌های جدی در منطقه خلیج فارس، از عمده نگرانی‌های پیش رو واشنگتن به شمار می‌رود. به عبارتی، ارزیابی میزان موفقیت سیاست خارجی آمریکا آن روی دیگر سکه‌ای است که دامنه پیشروی جمهوری اسلامی در عرصه ژئوپلتیک را نشان می‌دهد. فارغ از خواست و اراده سیاسی موجود در تهران برای تغییر نظم منطقه‌ای که از ابتدای انقلاب همواره وجود داشته، مجموعه‌ای از تحولات منطقه‌ای که آمریکا و هم‌پیمان‌هایش در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند، امکان پیشروی جمهوری اسلامی درعرصه ژئوپلتیک و توازن قوای جاری در منطقه را فراهم نموده‌اند.

توازن قوا در منطقه خاورمیانه بر مبنای هویتی سکولار استوار بوده، هم در دوران رقابت‌های شوروی و آمریکا و هم بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان نظم دو قطبی. وقوع انقلاب اسلامی در ایران و برتری یافتن اسلام رادیکال در ساختار سیاسی منطقه، در طول دهه‌های گذشته به این سو، چالش‌هایی هستند که نظم سکولار را به چالش طلبیده‌اند.

انقلاب اسلامی ایران بیانگر خواست و اراده سیاسی برای به هم زدن نظم موجود در منطقه خاورمیانه بود. انقلاب با شعار دفاع از مستضعفین جهان و مسلمانان منطقه پا به عرصه مناسبات سیاسی گذاشت. علاوه بر هویت سیاسی انقلاب ایران، اسلام رادیکال در لبنان و فلسطین از ابتدای ۱۹۸۰ میلادی به این سو، به عامل مطرح و تعیین‌کننده در معادلات منطقه تبدیل شده است. نیروی سیاسی که متحد استراتژیک جمهوری اسلامی در لبنان است عملاً به بخشی از ساختار سیاسی آن کشور تبدیل شده است. در رابطه با مسئله فلسطین، حماس و دیگر نیروهای اسلامی نیز از موقعیت برتری نسبت به جریان سکولار در میان فلسطینی‌ها برخوردار شده‌اند.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران و برتری یافتن اسلامگرایان نزدیک به جمهوری اسلامی در ساختار سیاسی در این بخش از خاورمیانه نماد اراده سیاسی برای تغییر نظم منطقه‌ای است که توازن قوای موجود محصول آن است.

تمرکز بر فعل و انفعالات سیاسی عراق بعد از صدام حسین یکی از نکات کلیدی است که درک پیشروی جمهوری اسلامی در عرصه ژئوپلتیک منطقه را ساده‌تر می‌سازد. از نظر موقعیت ژئواستراتژیک، توان بازدارندگی عراق موثرترین مانع در مقابل پیشروی جمهوری اسلامی برای رسیدن به آب‌های مدیترانه و همسایگی کشور اسرائیل به شمار می‌رفت. با توجه به این ویژگی، از میان برداشتن صدام حسین، مهلک‌ترین خطای استراتژیک طراحان سیاست خارجی آمریکا محسوب می‌گردد، خطایی که ماشه پیشروی جمهوری اسلامی در عرصه ژئوپلتیک منطقه را چکاند.

همچنین سوریه از نقطه نظر قابلیت‌های ژئوپلتیکی شباهت‌های قابل توجهی به عراق تحت رهبری صدام حسین دارد. قابلیت‌هایی که امنیت اسرائیل را به میزان قابل توجهی تحت‌شعاع قرار می‌دهد. به‌عنوان گذرگاهی که راه رسیدن به لبنان، فلسطین و دریای مدیترانه را میسر می‌سازد، سوریه دارای جایگاهی کلیدی در سیاست خارجی نظام اسلامی است. سوریه می‌توانست بندر چابهار در جنوب شرقی ایران را به بندر طرطوس در حاشیه دریای مدیترانه وصل نماید.

جنگ داخلی سوریه فر